

نقد آرای سیدحسین نصر در باب تذهیب و خوش‌نویسی اسلامی



حجت‌اله امانی

دکتری تاریخ هنر اسلامی. دانشگاه تربیت مدرس، ایران

چکیده

از دیدگاه سنت‌گرایان، خوش‌نویسی شریف‌ترین و ممتازترین هنر اسلامی به‌شمار می‌آید و آن را به‌عنوان مبنای هنرهای تجسمی در عالم اسلام می‌دانند. آرای «سیدحسین نصر» که در نوشتاری با عنوان «پیام روحانی خوش‌نویسی در اسلام» منتشر شده توسط پژوهش‌گران به‌عنوان امری مسجل به کارگرفته شده است؛ درحالی‌که به نظر می‌رسد در برخی موارد با سیر تاریخ تحول و تطور تذهیب و خوش‌نویسی مغایرت دارد. فلذا نقد حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش مقایسه‌ای و با بهره‌گیری از شواهد تاریخی هم‌چون خطوط برج‌مانده، کتیبه‌ها و نیز منابع مکتوب کتابخانه‌ای و مقایسه اطلاعات به‌دست آمده به دنبال یافتن پاسخ به این پرسش است که، آرای سیدحسین نصر در باب تذهیب خوش‌نویسی اسلامی در تطابق با سیرتاریخ تحول و تطور خط و خوش‌نویسی چگونه است؟

با تطبیق آرای سیدحسین نصر در باب تذهیب و خوش‌نویسی سنتی اسلامی و منابع مکتوب تاریخی و نمونه‌های موجود، آشکار شد، نظرات نصر در باب خوش‌نویسی و تذهیب در مواردی با آنچه در تاریخ این فن ذکر شده قابل تطبیق نیست. از این رو به نظر می‌رسد منشأ اندیشه‌های نصر بیش از آنکه مبتنی بر تاریخ باشد، بر فتوت‌نامه‌ها و رسالات خوش‌نویسی و تذهیب است که برخی از این مطالب با بیان کلی و رمزگونه (مفاهیم تجریدی)، بیش‌تر به‌منظور اعتبار بخشی جایگاه و اهمیت خوش‌نویسی در تمدن اسلامی به‌عنوان بستری در جهت ثبت کلام وحی تقریر و بسط داده شده است.

واژگان کلیدی: نقد آرای سنت‌گرایان، سیدحسین نصر، خوش‌نویسی اسلامی، هنر اسلامی، تذهیب.

آرای سیدحسین نصر در باب تذهیب خوش‌نویسی اسلامی در تطابق با سیرتاریخ تحول و تطور خط و خوش‌نویسی چگونه است؟

واگرایی آرای نصر و تاریخ خوش‌نویسی

در سال‌های اخیر، نقدهای قابل تأملی بر آراء و اندیشه‌های سنت‌گرایان و شاگردان آنها در حوزه هنر و معماری اسلامی، صورت گرفته که در قالب کتاب و مقالات علمی منتشر شده و راه را برای نقد دقیق‌تر بر پژوهش‌گران گشوده است. نگاه کلی‌گرایانه و متافیزیکی آنان به هنرهای سنتی از جمله خوش‌نویسی و نادیده‌گرفتن سیر تحول تاریخی این هنرها، آرای آنان را در برخی موارد با تردید مواجه ساخته است. با استناد به تاریخ مکتوب و نمونه‌های موجود فنون تذهیب و خوش‌نویسی در نسخ قرآنی، کتیبه‌ها و مانند آن، آرای سیدحسین نصر در باب خوش‌نویسی و تذهیب در این نقد نگاشت مورد بررسی و تطبیق قرار گرفته است. ضروری است پیش از بررسی، این نکات مورد توجه واقع شود؛ نخست اینکه خط و خوش‌نویسی از منظر مفهوم متفاوت از یکدیگرند؛ بدین معنی که منظور از خط امری است در جهت انتقال دانش و خوش‌نویسی دارای وجوه زیباشناختی نیز هست. سپس این که، از منظر تاریخی از قرن هفتم به بعد با اولویت قراردادن وجوه زیباشناسانه و تأکید بر صورت خط در مقابل محتوا خوش‌نویسی کارکرد دیگری از انتقال درست دانش را عهده‌دار شده است. به بیان دیگر ترجیح زیبایی بر محتوا و نه به مفهوم نقض آن. همین مسئله در قرائت قرآن نیز مطرح بوده است. از این‌رو مفهوم خطاط و خوش‌نویس نیز تغییر کرده است. پس از قرن هفتم، خطاط دیگر منشی و کاتب صرف نیست بلکه به هنرمندی تبدیل شده که مشغول صورت‌های (خط) شده است و طبع آزمایشی می‌کند (حسینی، ۲۰۲: ۱۴۰۲). با این مقدمه، مقصود و مراد حسین نصر از خوش‌نویس و خطاط دقیقاً مشخص نیست کدام وجه و در کدام برهه از تاریخ است.

به نظر می‌رسد منشأ و سرچشمه تفکر و آرای سیدحسین نصر در باب تذهیب و خوش‌نویسی، بیش‌تر فتوت‌نامه‌های این فنون باشند چرا که از منظر او در شهرهای اسلامی پیشه‌وران و صاحبان فن در بدو ورود، انجمن‌های صنفی یا فتوت را بوجود آوردند. آنان به دلیل پیوند نزدیک با عرفا و شخصیت امام علی (ع) به صورت مستقیم از سرچشمه پیام الهام می‌گرفتند؛ به همین دلیل میان اسلام به ویژه عرفان اسلامی و سایر هنرها رابطه نزدیک و باطنی وجود دارد و شمار بسیاری از اساتید خوش‌نویسی نیز به گونه‌ای با وجه باطنی اسلام معاشر بودند (نصر، ۱۳۷۵: ۷۴).

فتوت‌نامه‌ها و رسائل خوش‌نویسی که از سده‌های میانه به این سو مختص پیشینه و قابلیت‌های هنری خوش‌نویسی به نگارش درآمده است، غالباً حاوی تعالیم نظری در باب کسب فضایل و زدودن رذایل تا صفات ادوات و ابزارآلات خوش‌نویسی است (امانی، ۱۴۰۱). در بخش ابتدایی این رسالات و فتوت‌نامه‌ها پس از حمدیه، به بیان سرچشمه‌های معنوی فن مذکور پرداخته و هر فنی را به یکی از پیامبران یا امامان معصوم نسبت داده‌اند. از آن‌جا که نگارش این رسالات،

عموماً توسط کاتبان و نه تاریخ‌نگاران تقریر شده به‌طور کل مبتنی بر تاریخ و واقعیت‌های تاریخی نیستند. از این‌رو نمی‌توانند به‌عنوان مرجعی مستند و بدون اعتبار سنجی در مقاله‌های علمی مورد استفاده قرار گیرند. هم‌چنین نویسندگان این رسالات بعضاً اذعان داشته‌اند که دسترسی و آشنایی با جزئیات و ظرایف فنون و صناعات در رسالات ذکر نشده و تنها برای اهل فن مکتوم مانده است. فلذا استناد صرف بدین‌گونه منابع نمی‌تواند خالی از اشکال باشد. با توجه به تاریخ‌گریزی سرچشمه‌آرای نصر در باب خوش‌نویسی اسلامی برخی از آرای او در باب خوش‌نویسی و تذهیب را مورد بررسی و تطبیق قرار داده تا نسبت آنان نیز با سیر تاریخی سنجیده شوند.

سنت‌گرایان، از جمله نصر، خوش‌نویسی را شریف‌ترین هنر و اساس سایر هنرهای اسلامی می‌دانند و آن را هنر قدسی نامیده‌اند. به باور نویسنده، خط و خوش‌نویسی فی‌نفسه نمی‌تواند امری معنوی تلقی شود چه بسا خوش‌نویسان بی‌اخلاق که بدین امر مشغول بوده‌اند. به‌واقع خوش‌نویسی به منزله‌ی لباسی است که بر تن کلمات پوشانیده می‌شود؛ انتخاب خطوط کوفی، محقق و ثلث جهت نگارش قرآن، درک ظرف و مظلروف توسط خطاطان کلام وحی را به‌خوبی نشان می‌دهد؛ این در حالی است که با این خطوط، متون غیر قرآنی مانند سکه و اسناد هم نوشته شده و نمی‌توان انتظار داشت این نوع نوشتار هم از نوع خوش‌نویسی دینی یا قدسی باشند. همان‌گونه هر کسی که صرفاً لباس صوفیه بپوشد عارف و صوفی نیست (امانی، ۱۴۰۴: ۸۰).

جایگاه «حروف» از منظر سنت‌گرایان به ویژه سیدحسین نصر، نیز از نگاه تاریخ‌گریزی او نشأت می‌گیرد و از این منظر با اندیشه‌های حروفیان در باب حروف قرابت دارد. از بیان نصر، نقطه نماد حضور خداوند و خالق «الف» است که در بخش‌هایی از نوشتار او در باب جایگاه و اهمیت آن در خوش‌نویسی چنین ذکر شده است «... در راز سر به مهر نقطه نخستین که زیر حرف «ب» اولین کلمه قرآن مجید آغاز می‌شود، ریشه‌های خوش‌نویسی اسلامی و معماری اسلامی و مبانی هنرهای شنیداری و تجسمی را می‌توان یافت» (نصر، ۱۳۷۴: ۲۷). هم‌چنین «... نقطه خالق الف و الف خالق سایر حروف است. زیرا درحالی که نقطه نماد هویت الهی است الف نیز نشانگر مقام واحدیت است» (همان، ۳۲).

مشابه این گفتار در مقاله چهارم رساله «قوانین الخطوط محمودبن محمد» آمده است که: «... و گفتم اصل خط نقطه است و اصل انسان نطفه و هم‌چنان که نطفه مرکب است این نقطه نیز مرکب است...» (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۲۹۹). درگفتار دوم «تحفه‌المحبین» نوشته یعقوب بن حسن سراج شیرازی نیز آمده است «... نقطه به الف مبدل گشت و الف مبدأ حروف دیگر شد: یک نقطه الف گشت و الف جمله حروف در هر حرفی الف به وصفی موصوف» (سراج شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۴۸). همان‌گون که آشکار است منشأ این اندیشه‌ها از نگاه متافیزیکی برخوردارند و در واقعیت نگارش و کتابت درباره‌ی گونه‌های متنوع خوش‌نویسی صدق نمی‌کند. از منظر تاریخی نمونه‌های اولیه‌ی خطوطی که قرآن بدان کتابت شده نشان می‌دهد این خطوط فاقد

با توجه به اهمیت و جایگاه خوش‌نویسی و کاتبان در تمدن اسلامی زمینه نگارش فتوت‌نامه‌ها و رسالات خوش‌نویسی از سده‌های میانی قوت گرفت که در دوران معاصر دستمایه آرای برخی از سنت‌گرایان به‌ویژه سیدحسین نصر قرار گرفته است. از آنجا که نگارش فتوت‌نامه‌ها و رسالات توسط کاتبان و نه تاریخ‌نگاران و به‌صورت مبهم و کلی نوشته شده تاریخ‌گریز بوده و بیش‌تر به جنبه متافیزیکی فنون توجه کرده‌اند. از این‌رو است که در برخی موارد آرای نصر درباره تذهیب و خوش‌نویسی اسلامی ضمن قرابت با فتوت‌نامه‌ها براساس شواهد و نمونه‌های موجود با سیر تاریخی و تحول آن مطابقت ندارد. بنابراین به‌نظر می‌رسد توسعه و بسط این آراء بیش‌تر در جهت معنوی و اهمیت جایگاه خوش‌نویسی تقریر شده است.

نقطه و اعجام بوده‌اند از این‌رو نقطه به عنوان امری مادی و صوری جزء اساسی خطوط اولیه محسوب نمی‌شده است.

ابزار کتابت و خوش‌نویسی از جمله «قلم‌نی» نکته دیگری است که در گفتار سیدحسین نصر چنین نقل شده: «قلم انسانی معمولاً از «نی» ساخته شده و لاجرم نه تنها خطوط و اشکال زیبای خوش‌نویسی سنتی را تداعی می‌کند بلکه نوای سحرانگیز موسیقی قدسی عاشقان پروردگار را متذکر می‌شود... این همان نی‌ای است که رومی در سرآغاز مثنوی هم از آن یاد کرده است...» (نصر، ۱۳۷۴: ۲۸). بدون تردید ابزار کتابت و خاصیت آنها، نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر شکل خطوط از جمله خط کوفی به نفع زیبایی و تزئین داشته است. تغییرات سیاسی و اجتماعی در تمدن اسلامی و ضرورت‌های کاربردی انتقال پیام الهی، خوش‌نویسی بسترهای متفاوتی را به‌خود دیده که مستلزم تغییر ابزار کتابت و نگارش بوده است از این‌رو خوش‌نویسی از قلم و پوست بنا به ضروریات تغییر کرده است. به‌عنوان نمونه خوش‌نویسی بر سفالینه‌های نیشابور در سده‌های سوم و چهارم هجری با قلمویی شبیه هنرمندان شرق دور صورت گرفته است که خود نوعی خط کوفی تزئینی را به‌وجود آورده که بیش از آن‌که خط باشد به عنصری کاملاً تزئینی تبدیل شده است.

حسین نصر هم‌چنین درباره پیوند خط و تذهیب و حضور با تأخیر آن در کنار خطوط قرآنی بر این باور است که «خوش‌نویسی قرآنی در ضمن با تذهیب که در طول زمان، هر چه سنت از مبدأ الهی بیش‌تر فاصله گرفت حضورش بیش از پیش محسوس شد، رابطه دارد... اما خود را در اوایل نزول تاریخی وحی الهی در عالم فرم‌های بصری متجلی نساخته بود» (نصر، ۱۳۷۴: ۳۱). در میان تک نسخه‌های موجود خطوط کوفی سده نخستین، نمونه‌های اولیه تذهیب به‌صورت اشکال هندسی و حواشی صفحات خالی به منظور پر کردن فضا دیده می‌شود اما تذهیب به بیان متأخر، به معنی زراندود کردن و استفاده از نقوش پیچیده، بنا به دلایلی به تدریج و با احتیاط در کنار خوش‌نویسی قرآنی به‌کار گرفته شده است. از مهم‌ترین دلایل آن، اجتناب و ترس از بدعت و تحریف در قرآن بوده که توسط برخی از علما و متفکرین اسلامی به‌شدت امتناع از آن توصیه شده است. به نقل از «ابی‌بن کعب»: «هرگاه قرآن‌ها را زینت دهید و مساجد را نقش و نگار کنید بر شما تباهی باد» (حسینی، ۱۴۰۲: ۹۰). هم‌چنین از دیگر علت‌ها آشنایی با سنت‌های ایرانیان در زراندود کردن کلام بزرگان و سنت‌های پیشا اسلامی در ایران است؛ همان‌طور که از «ابن‌مقفع» نقل شده است که «خسرو انوشیروان» فرمان می‌داده تا پند و اندرزهای بوزرجمهر را با آب زر بنویسند (محمدی، ۱۳۷۴: ۳۲۷). افزون بر این‌ها در نظر سنت‌گرایان هنر مقدس از آن جهت که مبتنی بر سمبل‌هاست، ساده و عمیق است؛ از این‌رو فرضیه طلااندازی و برتری تذهیب بر کلام وحی برگرفته از سنت‌های ایرانیان را قوت می‌بخشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

خوش‌نویسی و کتابت در اسلام بعد از قرائت، پیوند عمیقی با قرآن داشته که ضرورت آن پس از رحلت پیامبر(ص) موجب رونق و گسترش آن در سرزمین‌های اسلامی شد. از نگاه تاریخی و سیر تحول و تطور تذهیب و خوش‌نویسی قرآنی در تمدن اسلامی، به تدریج پس از صحت قرائت، نقطه و اعجام‌گذاری جهت خوانش آسان و درست کلام وحی در میان غیر عرب صورت گرفته است. با گسترش سرزمین‌ها و قلمرو مسلمانان زیبانگاری قرآن با سنت‌های بومی و پیشا

اسلامی موجب استیلای صورت‌های خوش‌نویسی در نگارش قرآن شد. با توجه به اهمیت و جایگاه خوش‌نویسی و کاتبان در تمدن اسلامی زمینه نگارش فتوت‌نامه‌ها و رسالات خوش‌نویسی از سده‌های میانی قوت گرفت که در دوران معاصر دست‌مایه آرای برخی از سنت‌گرایان به‌ویژه سیدحسین نصر قرار گرفته است. از آنجا که نگارش فتوت‌نامه‌ها و رسالات توسط کاتبان و نه تاریخ‌نگاران و به‌صورت مبهم و کلی نوشته شده تاریخ‌گریز بوده و بیش‌تر به جنبه متافیزیکی فنون توجه کرده‌اند. از این‌رو است که در برخی موارد آرای نصر درباره تذهیب و خوش‌نویسی اسلامی ضمن قرابت با فتوت‌نامه‌ها براساس شواهد و نمونه‌های موجود با سیر تاریخی و تحول آن مطابقت ندارد. بنابراین به‌نظر می‌رسد توسعه و بسط این آراء بیش‌تر در جهت معنوی و اهمیت جایگاه خوش‌نویسی تقریر شده است.



تصویر ۱. خطاطی با قلمو بر سفالینه‌های نیشابور سده‌های سوم و چهارم هجری

منابع

- امانی، حجت. (۱۴۰۴). نقد آرای سنت‌گرایان در باب خوش‌نویسی اسلامی، *باغ نظر*، ۲۲ (۱۴۸).
- سراج شیرازی، یعقوب‌بن‌حسن. (۱۳۷۶). *تحفه‌المحبیین (در آئین خوش‌نویسی و لطایف معنوی آن)*. ایرج افشار، کرامت رعناحسینی، محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: مؤسسه نشر میراث مکتوب.
- محمدی، محمد. (۱۳۷۴). *فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی*. تهران: نشر توس.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۷۵). هنر و معنویت اسلامی. ترجمه: رحیم قاسمیان. دفتر مطالعات دینی هنر، تهران.
- امانی، حجت. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر حروفیه بر رساله‌های خوش‌نویسان (با تأکید بر قوانین الخطوط محمود بن محمد)، همایش دوسالانه خوش‌نویسی.
- حسینی، عبدالرضا. (۱۴۰۲). مسوده: درآمدی تاریخی به جامعه‌شناسی خط در ایران. فرهنگستان هنر، پژوهشکده هنر.
- مایل هروی، نجیب. (۱۳۷۲). *کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۷۴). پیام روحانی خوش‌نویسی در اسلام. مشرق. شهرپور و مهر، شماره ۶.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Journal of Critical Reviews (JCR); The Iranian Journal of Critical Studies in Place. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/version4/>)

